

باختر امروز

« جریده باختر امروز »

نشرة

منظمات الجبهة الوطنية الايرانية

في الشرق الاوسط

العدد السادس والثلاثون

السنة الثالثة

نیسان ۱۹۷۳

الرحلة الرابعة

مؤسس : شادروان دکتر سید حسین فاطمی
نشریه سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور
« بخش خاورمیانه »

در دورانی که مبارزه مساحتانه بصورت شیوه
عمده مبارزات خلق در آمده است ، همه انواع دیگر
مبارزه ، مستقیماً در خدمت پیشبرد اهداف آن قرار
میگیرند و مدد کار آن میشوند . و در اینجاست که
مبارزات اخیر دانشجویان معنای خاص دارد و کمکی
که به پیشبرد اهداف جنبش میکند بیش از همیشه
است .

فروردین - ۱۳۵۲

دوره چهارم

شماره ۳۶ - سال سوم

تأمیرک دیکتاتورها

دانشجویان و دانش آموزان مبارز ایران در حالیکه فریاد میزدند « تأمرک
دیکتاتورها ، تا سرنگونی رژیم سلطنتی ، تا پیروزی کامل زحمتکشانشان ، مبارزه
ادامه دارد » با قوای رژیم شاه روبرو شدند .

گزارشی

از روستای شهر آباد

نوشته یکی از انقلابیون ایران

جنبش های دهقانی پراکنده ای پهنه ایران
را فرا گرفته است . و این بویژه از دولت
(انقلاب سفید) است . این جنبش ها هنوز کوچک
و بویژه کم دامنه اند . چرخه های بیش نیستند .
ولی بهر رو چرخه نیز از خانواده آتش است .
و آتش پهنه گستر خواهد شد . از جمله ویژگی
های این جنبش ها ، میتوان از ناسیاسی بودن آنها
نیز سخن گفت . و چنین کیفیتی نیز فعلاً طبیعی
است زیرا جنبش ها هنوز آشکارا خود بخودی میباشند
و ناچار از چشمه های اقتصادی آشکاری نیسند
آب میگیرند . بدین سان جنبش های روستایی ایران
دست کم دارای چهار ویژگی میباشند .

۱- کوچکچند

۲- پراکنده اند

۳- سیاسی نیستند ، اقتصادی

۴- خود بخودند . ولیکن با این همه ،
جنبش اند . هر چند با ویژگی هایی نه دلپذیر بلکه
نادلپذیر . وجود این جنبش ها گواه آن است که
جامعه از درون سخت در حال آشوب و غلیان
است .

گذشته از کاستی های یاد شده ، جنبش های
دهقانی کنونی دارای کاستی دیگر نیز هست .
جنبش ها بیشتر مظلومانه و نمایشی هستند تا
کینه گیرانه و رزمی ؛ با اینهمه هستند جنبش هایی
هم که بناچار به اسلحه دست برده اند . ولی
این جنبش ها نیز نخست بسیج مسلحانه ندیده اند .
چگونگی رویدادها ، جنبش را به نبرد آشکاری
کشانده است . و آنها در تنگنای خفه کننده ای از
زمان و مکان . جنبش ها نه دیر پایند و نه
پهنه گرفته اند . با اینهمه بایستی بدانها با چشمانی
گشوده نگریست . جنبش ها واقعی اند ، وجود
دارند - و بایستی چشم باز کرد و دید . و ارزیابی
روشنی از آنها بعمل آورد . که ما فعلاً میکوشیم
تا با جمع آوری رویدادها ماهی ای نیز در این زمینه
برای شناخت و تحلیلی روستاهای ایران فراهم
کنیم . بایستی این جنبش ها را از دیدگاه انقلابی
خوب بررسی کرد . و نباید از آنها با چنان خاطره ای
یاد کرد که در مجلسی هر آینه سخن ها به ته کشیدند
آنها را برای گپ زدن بیمان کشید . بایستی
رویدادها را هم چون زمینه ای برای عمل شناسایی
کرد .

اینک گزارشی در باره روستای شهرآباد

شهرآباد از توابع فیروزکوه است و در حدود
۱۲ کیلو متر با آن فاصله دارد . و خود فیروزکوه
از راه شوسه ۱۵۰ کیلومتر و از راه آهن ۲۰۱
کیلومتر تا تهران فاصله دارد . بدینسان شهرآباد
را میتوان حتی از گروه همسایگان تهران ، این
پایتخت شاهنشاهی وابسته به استعمار گرفت .
بقیه در صفحه ۲

باشیدند و یک ماشین پیمان سننو را با تنش کشیدند
تظاهر کنندگان شمار میدادند انقلاب سفید دروغ
است ، ما انقلاب سرخ می خواهیم . در این تظاهرات
دانشگاههای تهران تعطیل و عده ای دستگیر
و صدها نفر بسختی زخمی شدند . بدنبال این
تظاهرات ، دانشجویان دانشگاههای ایران علییه
سیاست تسلیحاتی رژیم و خرید اسلحه از آمریکا
و انگلستان تظاهرات وسیع دیگری برگزار کردند .
در تظاهرات دانشکده پلی تکنیک تهران ،
دانشجویان بدفتر هوایی اسرائیل (لعال) حمله
کرده و در پنجره های آنجا را شکستند . ماه مورین
شاه بتظاهر کنندگان پورش برده عده زیادی را
دستگیر کردند . تظاهرات اخیر ، ابتدا از دانشکده
پلی تکنیک شروع شد و بقیه دانشکده ها
بان ملحق شدند و دامنه آن تا سایر دانشگاهها در
شهرستانهای ایران کشیده شد .

در دانشگاههای ملی و صنعتی صحنه های
خونینی بوقوع پیوست . . . قریب دویست نفر در
بقیه در صفحه ۳

اخبار

● قبلاً اطلاع حاصل شده بود که چهار نفر از
دانشجویان مبارز و انقلابی را در زیر شکنجه
بقتل رسانده و در زمینهای اطراف زندان عادل
آباد شیراز مدفون کرده اند . اخیراً نام دوافر
از آنها بر ما معلوم شده است آقای سید رضا
دیباچ و آقای مسعود حجازی همدانی
شهادت مزبور میباشند .

● روز یکشنبه ششم اسفند در سه راه سیروس
تهران برخورد مسلحانه ای بین دشمن و انقلابیون
روی میدهد و دوافر کشته میشوند . در این
جریان عزت الله شاهی از چریکها که تحت
تقیب بود دستگیر میشود و وی اکنون بسختی
تحت شکنجه دشمن است و جانش در خطر
است . همچنین یکی دیگر از انقلابیون بنام
کاتوزیان دستگیر شده است .

● چریکها در یکی از مخفی گاههای خود در تهران
متوجه میشوند که محل آنها تحت مراقبت
سازمان امنیت قرار دارد ، لذا با سرعت در
محل مزبور مواد منفجره جاسازی میکنند و
بقیه در صفحه ۴

جدال خلق با ارتجاع جدالی است در سطوح
متعدد و با جلوه های مختلف . هر قسمتی از خلق
بر حسب امکاناتی که در دست دارد به نوعی در این
جدال شرکت میجوید . همه این انواع ، قسمت های
بهم پیوسته و مرتبطی هستند که نوای شیرین مبارزه
خلق را میسازند . مبارزه مسلحانه ، تظاهرات ،
اعتصابات و حتی مقاومت منفی ، در صورتی
که دست در دست دهند ارتجاع را به
زانو در خواهند آورد . در دورانی که مبارزه
مسلحانه بصورت شیوه عمده مبارزات خلق در آمده
است ، همه انواع دیگر مبارزه مستقیماً در خدمت
پیشبرد اهداف آن قرار میگیرند و مدد کار آن
میشوند . و در اینجاست که مبارزات اخیر
دانشجویان معنای خاص دارد و کمکی که به پیشبرد
مقاصد جنبش میکند بیش از همیشه است . و باز
بهمین دلیل است که رژیم خونخوار با قصابی بسی
نظیری به جان دانشجویان می افتد و انتقام کشی
میکند . رژیمی که پهلوان پنبه هایش هنگام مقابله
با نیروهای خارجی چادر بسر میکشند و فرار
میکند ، لحظه ای در کشودن آتش تبر بر سینه
فرزندان خلق تردید نمیکند . کشتاری که اخیراً
رژیم از دانشجویان مبارز کرد حتی در تاریخ جنایات
همین رژیم سفاک نیز بی سابقه بود .

ولی ، مختصر توجهی به نحوه تشدید مبارزات
دانشجویی در چند ماهه اخیر که در زیر خواهد
آمد نشان میدهد که روز بروز دامنه این موج گسترده
تر خواهد شد و دانشجویان امروز پیوند ناگسستنی
خود را با مبارزات خلق مستحکمتر خواهند ساخت .

در اواخر دیماه و اوایل بهمن ، دانشجویان
دانشگاههای ایران تظاهرات وسیعی علیه (دهه
ضد انقلاب) و به پشتیبانی از رزمندگان سازمانهای
انقلابی بعمل آوردند که موجب تعطیل شدن تمام
دانشگاههای ایران گردید . دانشجویان دانشکده های
فنی ، علوم ، حقوق ، ادبیات و داروسازی در تهران
فعالانه در برگزاری تظاهرات ضد رژیم شرکت
داشتند . دانشجویان در این تظاهرات که از سی
ام دیماه باوج خود رسید ، با سنگ به پلیس حمله
میکردند . در محل کتابخانه دانشکده فنی کتابخانه
مرکزی دانشگاه ، دانشجویان برای مقابله با پلیس از
صندلیها استفاده کرده بجنگ تن بتن پرداخته
بودند و باتومهای پلیس را تصاحب کرده بانها حمله
ور میشدند . همچنین سپرهای عده ای از پلیس
هارا شکستند . به مجسمه های شاه کتافات

ایران ، چه مسلم تو بودی باست که خشونت مهراسم را ما خشونت انقلابی باسخ و بهند

گزارشی از . . .

جناب شاهپور به مبلغ ۲۰۰۰۰ تومان میخرند . . . ولی ده ۲۰۰۰۰ تومان ندانند که چرا؟ نگران کننده نیست . بایستی بر روی مهر و عطف جناب شاهپور هم حساب کرد . جناب شاهپور محبت میفرمایند و میپذیرند که ۳۰۰۰۰ تومان نقد و بقیه را قسطی دریافت کنند . چه بزرگواری ستایش انگیزی! لیکن داستان به همینجا پایان نمی یابد .

سال دیگر پای جناب سیفعلیخان یکی از پادوهای جناب شاهپور غلامرضا هم پیمان می آید . سیفعلیخان نیز دارای املاک و احشام زیادی است و بیشتر چراگاههای فیروزآباد یا مال خود اوست و یا از جناب شاهپور غلامرضا اجاره کرده است . که چه خود و چه جناب شاهپور هر دو ، این املاک و چراگاهها را به زور از چنگ روستائیان بیرون کشیده اند و آخرین چشمه بازیشان ضیط چمن (پیاز مرگ) است که متعلق به اهالی فیروزکوه بود . با ضیط چمن (پیازمرگ) دمنهای جناب شاهپور پروارتر شدند . بهر رو یکسال پس از این که روستائیان شهرآباد چراگاه خودشان را از جناب شاهپور غلامرضا میخرند این جناب سیفعلیخان هم همان چراگاه را ظاهرا از جناب شاهپور اجاره میکند تا گوسفندان خود را در آن بچراند . بدینسان جناب شاهپور از یکسو چراگاه شهرآباد را به روستائیان شهرآباد میفروشد و از سوی دیگر همان چراگاه را ظاهرا به سیفعلیخان اجاره میدهند . و سپس جناب سیفعلیخان سیل گوسفندان خود را بسوی چراگاه به راه می اندازد . چراگاه از انبوه احشام سیفعلیخان انباشته میشود . روستائیان شهرآباد و اسپین رگه های زندگی سرشار از بیخوابی و فلاکت خود را بریده می بینند . کینه نهفته دلها به تکان در می آید . تا کی ؟ اینهمه بیدادگری و ستم تا کی ؟ تا به کی بایستی بر این ناموس به پشتگرمی دربار و شاهنشاه آریامهر این نوکر زبون ارتجاع - استعمار هر پستی و خواری که میتواند و میخواهد بر سر ما در آورد ؟ تا به کی باید خاموش بود ؟ به هر روزی باید بر خاست و آن روز چرا باید امروز نباشد . بدینسان روستائیان بپا خاستند . تکان انبوه گون روستائیان سیفعلیخان را هشیار میکند . نمیشود و نباید بیخردانه رفتار کرد . سیفعلیخان از در سازش در می آید . داستان بدینسان موقتا حل میشود که روستائیان چراگاه را از سیفعلیخان به سالی ۱۲۰ تومان اجاره کنند . بدینسان چراگاهی که نخست از آن روستائیان بود و سپس همین روستائیان همان چراگاه را از جناب شاهپور غلامرضا میخرند ، تازه پس از خرید یکبار دیگر همان چراگاه را از جناب سیفعلیخان اجاره میکنند . ولی این سازشکاری جناب سیفعلیخان خود نیرنگی نوین بود - سیفعلیخان بدین نیرنگ میخواست برای خود حق ریشه ای دست و پا کند زیرا اصولا هیچکس و از جمله نه جناب شاهپور غلامرضا و نه جناب سیفعلیخان هیچگونه سند رسمی که کوه تملک حتی غارتگرانه آنها بر چراگاه شهرآباد باشد در دست نداشتند و ندارند . و سیفعلیخان میکوشد تا با این نیرنگ که چون چراگاه را روستائیان از وی اجاره کرده اند پس از آن اوست برمی خود حقی دست و پا کند . با اینهمه حنای سیفعلیخان رنگ بر نمیدارد و ناچار دله سگ دیگری پای پیش میگذازد . جناب چراغعلیخان فرزند .

جناب چراغعلیخان فرزند خود در همان ده دارای مقادیری زمین میباشند . نامبرده کارمند بهداری فیروزکوه است . این جناب ، روستائیان ساده دل را گول میزند و ظاهرا به اماندگی آنها می رود به حضور جناب شاهپور غلامرضا ، و جناب شاهپور غلامرضا همان چراگاهی را که آن خود روستائیان شهرآباد بود و به خود آنها دو سال پیش به مبلغ ۲۰۰۰۰ تومان فروخته بود و سال دیگرش همان را به جناب سیفعلیخان اجاره داده بود ، اینبار به شخص چراغعلیخان فرزند به ۲۳۰۰۰ تومان میفروشد . ولی جناب چراغعلیخان از یکسو از ترس روستائیان و از سوی دیگر با الهام از سرشت

در شهرآباد در حدود ۲۵۰ خانوار زندگی می کنند . آمد و شد مردم شهرآباد به فیروزکوه حتی تا همین چند سال پیش یکسره با الاغ انجام میشد . لیکن به دنبال شکوفایی های سراسری (انقلاب سفید) جای الاغ را ماشین گرفته است . برای یاد کردن از وضع و حال این زاره (برای رفت و آمد های ماشینی باید داستانها نوشت که سرشار از رخدادها و صحنه های فراوان داستانی است ولی این کار ما نیست) همین اندازه که روستائیان را به زور به بیکاری گرفته و همان راه کهن مالرو را کمی پهن تر کرده اند تا ماشین بتواند به هر بدبختی که شده از آن بگذرد . سپس یک اتوبوس کامانکار لکنته عهد دقیانوس را در آن راه انداخته اند تا آمد و شد (شهرآباد - فیروزکوه) بوسیله آن انجام شود و میشود . و ناچار پس از ساعتها سرانجام روستائیان را همچنان گوسفند و گاو در ماشین می چپانند . کرایه بهاء ۱۵ تا ۲۰ ریال است .

وضع ملکی در شهرآباد بدین سان است که اکثر روستائیان دارای قطعه زمین کوچکی هستند . این زمین ها تا بدان اندازه کوچکند که برآستی کفاف معاش سالانه زندگی سراسر بیخوابی آنها را نمیدهند . و ناچار رویهمرفته مردها و پسرهای بزرگ خانوار زمستان و بهار نه روستاها و شهرستانهای دیگر برای کار میروند . با حرکت اینها ده تقریبا خالی میشود زیرا تعداد آنها از جمعیت سابق ده بیشتر است . بسیاری از آنها حتی در تابستان هم برای کار به ده برنمیگردند زیرا محصول قطعه زمین کوچک آنها تا بدان اندازه اندک است که زانها و بیچه های کوچکشان به سادگی میتوانند برداشت کنند و برداشت میکنند و از اینرو دیگر نیازی به آنها نیست تنها سه چهار خانوار از ساکنین شهرآباد دارای زمین های هستند که کفاف زندگی آنها را میدهد . آنها همیشه در ده میمانند . زمین های دیم هم یکسره از آن همین سه چهار خانوار است .

در تقریبا سه کیلومتری ده شهرآباد چراگاهی است . این چراگاه که گردآورد آن نیز کشت میشود در حدود ۲۲ هکتار مساحت دارد . از زمانهای کهن این چراگاه از آن همه ساکنین ده بوده است . همه از آن بهره می گرفته اند لیکن در زمان خاقان قوی شوکت اعلیحضرت فتحعلیشاه قاجار این چراگاه جزء خالصه در می آید . بدینسان که روزی شاهنشاه آریامهر نشده ، فتحعلیشاه گذار مبارکشان به شهر آباد می افتد و چند روزی لنگر می اندازند . اسبها و قاطرهای همایونی هم در آن چراگاه به چرا سرگرم میشوند و شاه را خوش می آید . دستور میدهند که جمال یمثال خود و همراهانشان را در سینه کوه بکنند و میکنند که هنوز هم بر جای است . لیکن همین وجود خاقان و همراهان حتی بصورت سنگ تراشیده در آنجا بمنای آن میشود که آن چراگاه جزء خالصه است و جزء خالصه میشود . با اینهمه چون هنوز از اعلیحضرت فتحعلیشاه تا شاهنشاه آریامهر بسی فاصله بود ، روستائیان عملا از این چراگاه هنوز بهره می گرفتند . ولی در زمان سلطنت خدابگان شاهنشاه آریامهر و پویزه پس از ممرکه (عدل پهلوی) آشکارا و یکسره بهره جویی روستائیان را از چراگاه یاد شده جلوگیری میکنند جناب شاهپور غلامرضا نیز ناچار درباری سراسر چراگاه های آن دور و بر و از آن جمله چراگاه شهرآباد را به زور از چنگ روستائیان بیرون کشید تا بتواند آنها را بدست مزدوران خود بسپارد و آنها هم دامهای جناب شاهپور را در آنجاها به چرا در آورند . ولی چراگاه شهرآباد باره ای از جگر شهرآباد است . هیچ رو نمیتوان آنرا رها کرد . و ناچار روستائیان دست پاچه میشوند . چه کنند . راه و چاره روشن است : بایستی خوشنودی جناب شاهپور غلامرضا را بدست آورند . چگونه ؟ بدینسان که روستائیان شهرآباد چراگاه خود را از

این
فض
برش
دسه
ماش
شد
پلیه
بر
د
دانه
شد
آب
شا
که
زخ
دو
نام
تظا
چنا
تظا
و
تظا
کت
پزد
و
تظا
صا
دخ
تظا
هم
با
از
داد
نکت
که
تظا
بود
دار
عد
نمر
شد
دو
بر
امر
بر
دو
اس
و
پلیه
تظا
عد
تبر
د
ع
دا
انق
متر

تاراجگرانه خود روستائیان را از کته قضایا با خبر نمیکند و در عوض میگویند که دیگر ایرادی در کار نیست . همه میتوانیم از چراگاه بهره گیریم و زمین های دورادور آرا نیز بخیریم . سپس روستائیان به کشت زمینهای گرد چراگاه نیز پرداختند ولی به هنگام برداشته محصول ، جناب چراغعلیخان همراهم چند ژاندارم و رئیس ژاندارمیری فیروزکوه بر سر زمین های کشت شده حاضر میشوند و نه تنها خود را مالک چراگاه مینامد بلکه مالک زمین های گردآورد آن نیز معرفی میکند . و به ژاندارمها دستور میدهد که محصول درو شده روستائیان را از آنها بگیرند و محصولی را که روستائی با یکسال خون دل گرد آورده است جناب فرزند به بشتیبانی جناب شاهپور غلامرضا و همای نیروهای ژاندارم به تاراج میبرند . چه باید کرد ؟ روستائیان خود پاسخ روشن و خوبی میباید : بیلها و کلنگها همراهم داسها برداشته میشود . گروهی در حدود ۶۰ تن از روستائیان به خیزش بر می خیزند . بیل بدست و داس در کف به سوی چراگاه حمله ور میشوند . فریاد خشمی که از کینه های کهن بر میخاست دیه را به لرزه در می آورد . زنان و کودکان به دنبال مردان و جوانان به راه می افتند . گرد و خاکی که از زیر پایشان بر میخیزد چشم انداز را شورانگیز تر میکند . توده های گندم و جو در این کفه و آن کفه انباشته برجای مانده اند . گوسفندان جناب فرزند با نگرانی چشم به آنها دوخته اند . ژاندارمها نخست به شیوه همیشگی به توپ زدن میپردازند . ولی توپ زبانی که هیچ ، توپ آتشین نیز دیگر کاری نیست . روستائیان همچنان پیش میروند . ژاندارمیری در مقابله برمیخیزد ولی دیگر نمیتوان در برابر خشم دهقانان ایستادگی کرد . خشمی که بازگو کننده کینه های استخوانی است که توده طی سالها و دهها خشمای برآیافته ای از ارتجاع - استعمار در دل پرورنده است . کینه از همه بیدادگران و ستمگران ، از امپریالیستها ، از مزدوران ارتجاع - استعمار و از همگی درباریان پلید و از شاهنشاه آریامهر ، این زیاله متعفن سیه دلی و پلیدی . کینه مقدس . کینه توده ها همواره مقدس باد !

ژاندارمها واپس میشینند . جرات تیراندازی نمی یابند . روستائیان با دلاوری آنها را گرد میگیرند . ژاندارمها هراسان در اندیشه گریز می افتند . جناب فرزند و رئیس ژاندارمیری و ژاندارمها میگریزند . لیکن ژاندارمیری جسارت بخرج میدهد . و با قنداق تفنگ بسوی یکی از روستائیان می تازد . دیگر کار از کار میگذرد . روستائیان بدون درنگ همان ژاندارم را خلع سلاح میکنند . دیگر تفنگ هم بدست آمده است و روستائیان دلگرم تر و نیرومندتر میشوند . در عوض ژاندارمها را هراس به لرزه می افکند و یکبار دیگر دهقانان تاخت می آورند . ژاندارمها و نفرات جناب فرزند را با چوب دست و بیل در دم میگویند . در حالی که تفنگی از آنها بشتیبانی میکند . ژاندارمها و نفرات جناب فرزند میگریزند . ولی مشتیی از آنها زخمی و مجروح شده بودند . روستائیان شهرآباد پیروز میشوند . روشن است که این جنبش نمیتواند جاودانه بابداری کند . پس زودتر از آنچه که انتظار میرفت ژاندارمیری با نیروی کوبنده ، روستائیان را وادار به تسلیم میکند و همراه تسلیم آنها را تباب پیچ برای بازجویی میبرد و پرونده و پرونده ها رایشان میسازد . سپس به دادگستری فیروزکوه تحویل میدهد که پرونده هنوز در دست رسیدگی است .

لیکن روستائیان شهرآباد برای لحظه ای هم که شده لذت پیروزی را میچشند . آنها آشکارا در می یابند که مزدوران ارتجاع - استعمار و لشکریان آریامهر را توان برابری آنها نیست و این ناتوانی پویزه در صورتی است که دهقانان تفنگ در دست داشته باشند . بدینسان تفنگ وجود رهاییبخش بقیه در صفحه ۳

پیروز باد خلق فلسطین پیشقراول انقلاب مردم خاور میانه

تا مرگ دیکتاتورها . . .

این دانشگاهها دستگیر شدند . فرید نظائر کنندگان فضای تهران را پرزده در آورده بود . شعار های مرگ پرتاب ، مرگ بر آمریکا ، و شعار های انقلابی بطور دستجمعی تکرار میشد .

در دانشگاه ملی تظاهرات بعد از انفجار يك ماشين پليس ، باوج خود رسيد . در روز سه شنبه اول اسفند در دانشگاه تهران بعلت حضور پليس در محوطه دانشگاه ، تظاهرات عظیمی بر گزار گردید که منجر بزد و خورد پایس و دانشجویان گردید . در این جریان صد ها نفر از دانشجویان زخمی و دستگیر شدند . یکی از دستگیر شدگان در زندان کمیته تهران بوسیله (شلنگ آب فشاری) بشهادت رسید .

در تظاهرات دانشسرای عالی تهران کماندوهای شاه سبعمه حمله ور شدند و طی برخورد شدیدی که بین دانشجویان و پليس رویداد ، عده ای بسختی زخمی شدند . مامورین جنازه های آعشته بخون دو شهيد دختر را از صحنه تظاهرات بمحفل نامعلومی حمل کردند . عده زیادی نیز در این تظاهرات دستگیر شدند . دانشگاه جندی شاپور چندین ماه بود که بحالت تعطیل در آمده بود ، در تظاهرات اخیر این دانشگاه ، عده زیادی زخمی و دستگیر شدند . دو دانشجوی دختر در این تظاهرات بشهادت میرسند و يك افسر پليس نیز کشته میشود .

تظاهرات دانشگاه اصفهان ابتدا از دانشکده پزشکی شروع و بسایر دانشکده ها توسعه پیدا کرد و در روز بیستم بهمین اوج خود رسيد ، در این تظاهرات رژیم حتی از زاندارمري کمک گرفته بود . صد ها نفر زخمی و دستگیر شدند و يك دانشجوی دختر که گویا نام او فرشته حیاتی میباشد در حین تظاهرات بشهادت رسید . دو دانشجوی پسر هم شهيد شدند . کماندوهای شاه و زاندموها با قنداق تفنگ بسر دانشجویان میکوبیدند . پس از این وقایع خونین دانشگاه تعطیل گردید . دانشجویان و استادان دانشگاه اعلامیه ای انتشار دادند که نمونه ای از آن در باختر امروز درج میگردد .

نکته مهم در تظاهرات دانشگاه اصفهان این بود که اکثر دبیرستانهای اصفهان بمنظور شرکت در تظاهرات و اعتصاب دانشجویان بانها پیوسته بودند . در خود دبیرستانها نیز تظاهرات دانشه داری برگزار گردید و مدارس تعطیل گردیدند . عده ای از دانش آموزان نیز دستگیر شده اند . بطور نمونه فقط از دبیرستان سعدی اصفهان حدود شصت نفر و از دبیرستان احمدیه حدود سی نفر دستگیر شده اند . در بعضی از دبیرستانها علاوه بر اینکه عده ای دستگیر شده اند ، عده ای از دانش آموزان نیز از دست پليس متواری میباشد .

در تبریز تظاهرات پر دامنه ای در بهمین و اسفند برگزار گردید که بصحنه های جنگ شباهت داشت . دو ماشين دانشگاه که از آنها برای سرکوبی دانشجویان استفاده میکردند توسط دانشجویان آتش زده شد و منفجر گردید دانشجویان در مقابل نیروی پليس و ارتش مقاومت دلیرانه ای کردند حداقل هفت نفر از دانشجویان توسط پليس قتل رسیدند . عده ای از کماندوهای پليس نیز کشته شدند .

پدنبال اعتصاب و تظاهرات دانشجویان دانشگاه تبریز ، بازار تبریز بعنوان پشتیبانی از خواستهای دانشجویان و اعتراض باعمال وحشیانه رژیم شاه بمدت سه روز تعطیل گردید . انتشار مختلف مردم بسختی علیه رژیم خشمگین و پراکنجته شده بودند . دانشجویان در مشهد تظاهرات عظیمی روز عاشورا در دانشگاه برپا کردند وتظاهر کنندگان از دانشگاه بطرف صحن حرکت کردند . شمارهای انقلابی و ضد رژیمی آنان همه مردم شهر را متوجه خود ساخته بود بین دانشجویان و پليس

بقیه اخبار

بقیه از صفحه ۴

با بکار بردن اسلحه دو نفر از افراد پليس دشمن را بقتل میرساند و موفق بفرار میشود .

شعبان جعفری معروف به بی مخ بدست مجاهدین خلق بسختی مجروح شده است .

روزنامه ها پس از انتشار يك عکس سابق او نوشتند که منوچهر جعفری برادر شعبان جعفری ، رئیس باشگاه شده است .

بیست نفر در اهواز پس از شهادت اسدالله بشردوست باتهام دوستی و آشنائی با او دستگیر شده اند .

در شاهرود در حدود بیست نفر دستگیر شده اند و از سرنوشتهای اطلاعاتی در دست نیست . اسامی بعضی از آنها بقرائز میرساند :

امانی پور (دبیر) ، انصاری (کارمند راه آهن شاهرود) ، میرغفوری ، خرقانی ، صدیق و جلالی (دانشجو) .

در اسفند ماه آقای مهندس قلی زاده باتفاق آقای تقدسی بازداشت و زندانی شده اند .

در آبادان و مسجد سلیمان عده ای از فرهنگیان باتهام همکاری و ارتباط با انقلابيون دستگیر کرده اند . همچنین در تهران دو دبیر دبیرستان را که مسلح بوده اند دستگیر و تحت شکنجه قرار داده اند .

گروهی از مهندسين ذوب آهن اصفهان را در ۱۰-۱۱ با داشت و روانه زندان کرده اند .

آقایان احمد احمد و احمد فاتح در زندان قزل حصار بسر میبرند ، اولی را به دو سال و دومی را به شش سال زندان محکوم کرده اند .

همچنین آقایان رشیدی و بخارائی (برادر بخارائی شهيد) جوادی بخت و منصورى دستگیر شده و در قزل قلعه بسر میبرند .

از نوزدهم تا ۲۲ مارس ۷۳ فستیوال بین المللی فیلم درباره فلسطین در بغداد برگزار شد که در آن علاوه بر فیلمهای مربوط بمبارزات خلق فلسطین ، فیلمهای درباره نبردهای ضد امپریالیستی و انقلابی سایر خلقهای جهان نیز بنمایش گذاشته شد .

از طرف سازمان جبهه ملی ایران در خاورمیانه نیز در این فستیوال فیلم مستندی بمدت بیست دقیقه بنمایش گذاشته شد . این فیلم مستند مبارزات انقلابی و ضد امپریالیستی مردم ایران از سال ۱۹۵۱ تاکنون و همچنین اوضاع اجتماعی ایران را نشان میداد که با استقبال بینظیری روبرو گردید . و در فستیوال بعنوان بهترین فیلم سیاسی شناخته شد .

نسخه هایی از این فیلم در اختیار سازمانهای انقلابی و سازمانهای جهانی برگزار کننده فستیوال فیلمهای سیاسی گذاشته شد .

خبر گزارى فرانسه در ۲۱ مارس ۷۳ (اول فرودین ۵۲) فاش ساخت که رژیم شاه تعداد ۱۰۰ هلیکوپتر (لوجوستایل - ۲۵) در اختیار سلطان عمان قرار داده است و همچنین ۲۳ نفر از خلبانان و درجه داران ایرانی در حملاتی که بمنظور سرکوب انقلاب ظفار صورت میگردد شرکت دارند .

زدخورد شدیدی روی داد و عده زیادی زخمی و دستگیر شدند .

اکنون بسیاری از دانشگاههای ایران بحال تعطیل کامل در آمده اند و وضع در بقیه بکلی غیر عادى است و قوای نظامی دشمن همه را تحت اشغال در آورده اند .

برای یکبار دیگر ثابت شد که رژیم با هرگونه مبارزه جدی مسلحانه و غیر مسلحانه ، با خشونت و قسالى روبرو میشود و این خود درس آموز این نکته است که باید در مقابل رژیم مسلح شد و بی دفاع نماند .

طبق اخبار رسیده از آبان سال گذشته پنج مبارز قهرمان از سازمان (کمیته آزادی ایران) دستگیر و وحشیانه ترین وجهی شکنجه شده اند ولی تاکنون دادگاهی برایشان تشکیل نشده است . این مبارزین عبارتند از :

۱ - حسین قاسم نژاد جامعی ، کارگر خیاط که بعلت پیکرد پليس بشهر فرار کرده بود و در آنجا دستگیر شده و در زندان شهربانی زندانی میگردد .

۲ - عباس خلیلی ، دانشجوی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تهران (سال دوم)

۳ - منصور خلیلی (برادر عباس خلیلی) دانش آموز سال ششم طبیعی دبیرستان شاهرضا تهران

۴ - ابوالقاسم طاهری ، دبلمه طبیعی .

۵ - علی اصغر سروری ، دانشجوی سال سوم دانشکده حقوق قضائی دانشگاه تهران .

دوسال و نیم قبل نیز این افراد دستگیر شده بودند و طاهری و سروری یکسال در زندان بودند . در آنوقت آنها را باتهام پخش اعلامیه برای پشتیبانی از اعتصاب دانش آموزان سال ششم دبیرستان علیسه فرهنگ ارتجاعی و همچنین نوشتن شعار علیه امپریالیسم آمریکا روی دیوار سفارتخانه دستگیر کرده بودند . در آن موقع نیز همگی آنها شکنجه شده بودند . به گردن منصور خلیلی سوزن فرو کرده بودند که باعث اختلال حواس وی گردید قاسم نژاد را با اجاق برقی سوزاندند و در نتیجه شکنجه های وارده به سروری وی تا مدت یکماه حس شنوائی خود را از دست داده بود . طاهری را بمدت سه روز نگذاشتند بخوابد ولی همگی آنها قهرمانانه مقاومت کردند .

اتهام جدید آنها پخش اعلامیه (الفتح) بمنظور پشتیبانی از مجاهدین و فدائیان قهرمان میباشد . هم اکنون همگی تحت شکنجه بسر میبرند و حسین قاسم نژاد را سه روز متوالی شلاق زده اند . جان آنها در خطر است و لاهرگونه حقوق انسانی محروم هستند .

روزنامه واشنگتن پست ۲۳ مارس ۷۳ (۳ فرودین ۵۲) نوشت که رژیم ایران بمنظور جلوگیری از رساندن اسلحه بانقلابيون ظفار از امارات خلیج فارس و عمان خواسته است که هرکشتی که از تنگه هرمز میگردد بازرسی و کنترل شود .

سلطان قابوس تایید کرده است که افسران ایرانی واردنی ، نظامیان عمان را برای سرکوب جنبش انقلابی ظفار تعلیم میدهند .

گزارشی از . . .

بقیه از صفحه ۴

خود را مینمایاند . و روستائیان هر چند ابتدائی ولی بهر دو در می یابند که یگانه راهی که آنها را از تاراج ارتجاع - استعمار راهی خواهد بخشید راه جنبش مسلحانه و راهی است که با تفنگ پیموده میشود . نبرد با تاراجگران پیروز باد .

چریکهای انقلابی ایران از مبارزات خشم آمیز دهقانان شهرآباد همچون دیگر مبارزات خشم آمیز توده ها قاطعانه پشتیبانی میکنند .

شکوفان باد جنبش های دهقانی جنبش دهقانان شهرآباد شکوفان باد پیروزیاد جنبش مسلحانه توده های ایران نابود باد رژیم سستمر آریامه وری و همه امپریالیستها .

۱۹۵۱/۹/۱۴

بنام خلق مجاهد و فدائی ایران بررسی اعتصاب دوازده روزه دانشجویان دانشگاه اصفهان

اعتصاب چرا؟

اصولا هرگاه اجتماعی که با رژیم فاسدی اداره میشود و در آن اجتماع حقوق مردم پایمال هوسها و خواستههای رژیم فاسدی جنایتکار میگردد عکسالعملهای طبیعی نظیر اعتراض - اعتصاب - و بالاخره نبرد مسلحانه و جهاد آزادی بخش برای باز پس گرفتن حقوق لگد مال شده از خود نشان میدهد مانند آنچه که در ویتنام - فلسطین - ظفار - کوبا و الجزایر دیده شده است. اعتصاب ما دانشجویان نیز عکس العمل فشارها و زورگوئی های طبقه حاکم بر خلق ستمدیده ایران و نیز طبقه روشنفکر و دانشجو میباشد ..

در دنیایی که هرگونه وسیله رفاه بسراری دانشجویان مهیا میگردد، دانشجویی ایرانی از حد اقل حقوق خود محروم است و در عین حال دستگاه های تبلیغاتی رژیم فاسد در بوق و کرنای خود دم آفری و آسایش مردم و دانشجو میزند و انقلاب باصطلاح آموزشی خود را به رخ جهانیان میکشد. بعنوان نمونه اولیاء امور دانشگاه اصفهان (معمدی - اربابان و نوکرانش) تنها به ساختن فضای سبز و تلویزیون مدار بسته و ساختمانهای غیر ضروری و جشنهای پر خرج، آنهم برای عوامفریبی و ظاهر سازی اکتفاء نموده اند، در حالی که ما دانشجویان از هر گونه وسائل لازم مانند لوازم آزمایشگاه و کتاب برنامه های علمی و عملی و حتی وسائل حیاتی مانند خوابگاه کافی - سرویس رفت و آمد و غذای مناسب و وام برای دانشجویان بی بضاعت محرومیم ..

در کشوری که بلند گویای تبلیغاتیش دم از دموکراسی و آزادی میزند ما دانشجویان از هر نوع آزادی محروم بوده و در گوشه دانشگاه با پلیس های ساواک بعنوان کارد دانشگاه برای سرکوبی خواسته های منطقی دانشجویان روبرو میشویم ولی همانگونه که سایه دیوار دلیل وجود نوری روشنگر است، وجود پلیس های ساواک در دانشگاه خود دلیل واضحی بر افکار روشن و حق طلبانه دانشجویان ایران است ..

حال در چنین شرایطی که به خواسته های حیاتی ما دانشجویان پاسخ مثبت داده نمیشود چه راهی جز اعتصاب میتوانیم در پیش گیریم؟

واکنش پلیس در برابر اعتصاب ما؟

در کشورهایی که کوچکترین انحرافی از آزادی دیده میشود معمولاً اعتصابها با گرفتن پاسخ مثبت از طبقه حاکمه پایان می یابد .. در حالی که در کشور ما هرگونه اعتصابی با واکنش خشن و اغلب مسلحانه پلیس (پلیسی که با بودجه ما مردم مجهز شده است روبرو میگردد و بسراری از بین بردن اعتصاب عده ای را دستگیر و زندانی نموده و گروهی را روانه سربازی میکند چنانچه در اعتصاب دانشگاه اصفهان (یک دختر دانشجو کشته و بیش از صد نفر به زندان و سربازخانه کشانده شده اند) - فتنی تهران - و صنعتی ..

نشانی پستی
P.O. Box 7229
Beirut, Lebanon
نشانی بانک
Chase Manhattan Bank
Beirut, Lebanon
Account L-13896
پناه
ایران ۲ ریال
لبنان ۱۵ قروش
عراق ۱۰ فلس
کویت ۱ فلس
ترکیه ۲۵ قروش

بقیه اخبار

بقیه از صفحه ۱

از محل فرار میکنند (مأمورین پس از آن بمخفی گاه وارد میشوند ، با ورود آنها مواد منفجره که کار گذاشته شده بود ، منفجره شده و عده زیادی از مأمورین دشمن کشته و زخمی میشوند .

در اواخر اسفند یک کامیون ارتشی در چهار راه گلوندک تهران باتش کشیده میشود و ازین میرود .. همچنین در اواخر اسفند در یکی از کوچه های سبزه میدان تهران ، برخورد مسلحانه ای بین انقلابیون و نیروی دشمن روی میدهد و یک پلیس دشمن کشته میشود .

از روز ۲۳ مارس ۷۳ (سوم فروردین ۵۲) دانشجویان ایرانی علوم اسلامی مقیم عراق در محل اتحادیه دانشجویان فلسطینی بمنظور اعتراض بدستگیری و شکنجه دکتر عباس شیبانی مبارز پیگیر ایران و همچنین بمنظور اعتراض بدستگیری مبارزین فلسطینی در اردن دست بااعتصاب غذاء بمدت پنجاه ساعت زدند ..

در پنجم اسفند یکی از انقلابیون در اصفهان تحت تعقیب پلیس دشمن قرار میگردد و در محوطه مجسمه بین او و نیروی دشمن

و اعتصاب اخیر دانشگاه جندی شاپور (که منجر به کشته شدن دو تن از دانشجویان دختر شد) مشاهده میشود . آری از رژیم فاسد و دیکتاتور و خود فروخته و امپریالیسم و صهیونیسم غیر از این انتظاری نیست . البته نه تنها جنبش دانشجویی بلکه هرگونه جنبش حق طلبانه ای چه از طرف کارگر و دهقان - روحانی و پیشه ور با این گونه عکس العمل های پلیس روبروست .

کشتار وحشیانه کارگران چیت کرج و سرب قم و کارخانه شهناز اصفهان و اعدای امپای بی در پی بهترین عر بز آن خلق نمونه های کوچکی از جنایات این رژیم فاسد و غیر انسانی است . پلیس از حربه دیگری که شاید به مراتب برنده تر از کشتار وحشیانه و فرستادن به سیاه چال های زندان و سربازخانه ها میباشد استفاده می نماید و آن تطمیع و فریب دانشجویان ساده لوح و یا خود فروخته برای ساکت کردن و از حرکت بازداشتن موج اعتصاب است ..

ما شاهد بوده ایم که حتی دانشجویانیکه خود در اعتصاب شرکت نداشته اند بعنوان دلسوزی برای آزاد شدن زندانی ها و تعطیل نشدن ترم و جلوگیری از دستگیری عده ای دیگر خواستار شکستن موج اعتصاب و تشکیل مجدد کلاس ها میگرددند . البته این دانشجویان بزودی شناخته و رسوا میگرددند .

بنابراین برای پیروزی و ادامه اعتصاب میباشد دانشجویان متعهد ، مسئول و روشنفکر ، این عناصر خائن و فریب خورده و نادان را زودتر شناخته و اعتصاب دانشجویی مقدس را از مداخله آنها پاک گردانند .. در ضمن از هرگونه تهدید و خشونت عمل پلیس و ساواک نهراسیده و باین جمله مجاهد شهید مهدی رضائی ایمان و اعتقاد راسخ داشته باشند که (تا ظلم هست مبارزه هست ، و تا مبارزه هست شکست و پیروزی هست ، ولی سر انجام پیروزی با خلق است . این را من نمیگویم . این را شهید قهرمانانه خلق ویتنام و فلسطین میگوید و خلق ها حقیقت را میگویند .

یا ما سر خصم را بگویم به سنگ یا او سر ما به دار سازد آونگ) . درود بر شهیدان عزیز خلق ایران پاینده باد انقلاب خلق ایران مرگ و نفرین بر دشمنان قسم خورده خلق ایران

استادان و دانشجویان دانشگاه اصفهان

تیراندازی میشود ولی سرانجام دستگیر میگردد .. او از کیسول سمی استفاده میکند ولی فوراً او را بیمارستان ثریا میبرسانند و قریب ده نفر پزشک مشغول کار میگردند تا او را زنده تحویل پلیس بدهند . بطوریکه شایع است انقلابی مزبور در بیمارستان شهادت رسیده است ..

بطوریکه از منابع موثقی مطلع شده ایم ، سروان محسن فرید ، افسر اداره آگاهی شهربانی را که در جریان حمله و دستگیری عده ای از رزمندگان چریکهای فدائی خلق دست داشته ، پس از زخمی شدن نابلس ، مأمور کشیک او در بیمارستان میکنند .. نابلس هنگام بستری بودن در بیمارستان سه بار اقدام بخود کشی کرده بود . پس از این جریان دستگاه پلیس سروان فرید که افسر جوانی بود مشکوک میشود . دستگاه پلیس طبق نقشه قبلی ، موقعیکه سروان فرید با هلیکوپتر در اطراف تهران در پرواز بود او را از هلیکوپتر بیابن پرت میکنند و از بین میراند .

در تهران در خیابان پامنار ، پلیس دشمن یکی از انقلابیون معروف را تحت تعقیب و محاصره قرار داده و دستگیر میکند ولی چریک انقلابی ، بقیه در صفحه ۳

توجه

از طرف سازمانهای جبهه ملی ایران در خاورمیانه کتاب ها و جزوات زیر انتشار یافته اند:

- مدافعات شکرالله پاک نژاد
- راهنمای جنگ چریکی شهری نوشته کارلوس ماریکلا .
- ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقای نوشته امیر پرویز پویان از سازمان چریکهای فدائی خلق .
- تحلیلی از شرایط جامعه ایران (مبارزه مسلحانه هم استرژژی هم تاکتیک) ، نوشته مسعود احمد زاده از چریکهای فدائی خلق .
- منظومه کوچک خان اثر جعفر کوش آبادی (تقدیم بشهدای صیاهکل) .
- رمز نویسی
- کمک های اولیه ، برای مبارزین مسلح
- مدافعات مجاهدین ، شهید سعید محسن ، شهید مهدی رضائی و سند مربوط بمحاکمه وشهادت مهدی رضائی .
- پاره های از تجربیات جنگ چریکی شهری در ایران ، نوشته چریکهای فدائی خلق

از طرف سازمان مجاهدین خلق ایران کتابها و جزوات زیر انتشار یافته اند ..

- هوشیاری انقلابی ، وظیفه یک مبارز اسم در زندان ، چه کنیم که در زندان نیز مبارزه ادامه یابد .
- قسمتهایی از دفاعات مجاهدین (صادق ، رجوی ، بازرگانی) .
- روستا و انقلاب سفید ، بررسی شرایط انقلابی در روستاهای ایران .
- شناخت (ایدئولوژی - بخش ۱)
- اقتصاد بزبان ساده

شرح حال ۲۱ مجاهد شهید نشریات مزبور را میتوانید از طریق نشانی باختر امروز دریافت دارید از تمام هم میهنان تقاضا داریم بارعایت مسال امنیتی ، این کتابها را برای استفاده هم میهنان مبارز بداخل کشور ارسال دارند ..

ظفر مند باد مبارزه دانشجویان علیه رژیم دست نشانده شاه